

پیشنهاداتی در زمینه روابط فرهنگی با کشور جماهیری عربی سوسیالیستی لیبی

دنیای عرب که با ملت ایران دارای اشتراک دینی، وحدت تاریخی و فرهنگی است، در زمینه مبارزه با استعمار نیز مشکلاتی شبیه با ما دارد. دنیای عرب بیش از هر ملت دیگری نسبت به انقلاب اسلام شور دارد.

بنابراین اعراب برای امر وحدت، از هر ملت دیگری با ما نزدیک‌تراند. اما در همین زمینه، استعمار غرب بزرگترین تبلیغات سوء را انجام داده است. بدین دلیل است که برای نزدیک شدن به وحدت اسلامی، در نظر گرفتن و کار بر روی این زمینه‌های تبلیغاتی از اهم مسائل است. در این زمینه بخصوص، شناختن کشور جماهیری لیبی، مشکلات سیاسی، فرهنگی، وابستگی‌ها و گره‌های سیاسی، خطا کاریهای سیاسی کشور مزبور، وابستگی‌های اقتصادی و فرهنگی و تخصصی و فنی، و ارتباطهای کشور مزبور با سایر دول، از اولویت خاصی برخوردار است.

در میان اعراب کلا و در لیبی علی‌الخصوص مساله قومیت و عربیت، موضوعی بسیار جا افتاده و کاملاً قوی است و شاید این یکی از معدود سنگرهای یاقیمانده اعراب در مقابل استعمار و خواب زدگی شدیدی است که این جهان را فرا گرفته است. بنابراین باید این مساله را دقیقاً شناخت و نسبت به آن حساسیت نشان نداد و سعی در سرکوب کردن آن با پیش کشیدن آیاتی از قبیل: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا» و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» نکرد. بلکه باید با عمل یعنی با ارائه کردانی و تقوی، آنها را با این مساله روبرو کرد.

بدین علت است که فرستادگان ما به لیبی باید انسانهای متقی، منطقی، دانا و هوشیار به مسائل باشند. بدین علت گذراندن دوره لیبی شناسی (اگر چنین چیزی وجود داشته باشد) که منظور از آن یک دوره آشنایی با زبان غربی و فرهنگ لیبی و مسائل اجتماعی و سیاسی و دینی مطرح است، برای هر کارشناسی که در لیبی به کار خواهد پرداخت کاملاً الزامی است. کارشناسان ما در لیبی باید مشکلات

شیعه و سنی را بفهمند و بدانند که دامن زدن به این مشکلات از آن استکبار جهانی است. افراد ما در لیبی، بیشتر باید سعی در یادگیری از محیط کنند.

مناسبات غیر رسمی

به نظر می‌رسد که تشکیل جلساتی حول مسائل ایدئولوژیک از آن گونه که قبلاً در حداقل یک مرتبه توسط روحانی نماینده مجلس صورت گرفته است، در حال حاضر بسیار زود و عجولانه است. زیرا این فکر را در لیبی (در نظر سردمداران) به وجود می‌آورد که ایرانیها برای تبلیغ شیعیگری به لیبی آمده‌اند. ما باید هر چه بیشتر صمیمیت و صفای باطنی خود را به آنها نشان دهیم.

در میان اعراب و خصوصاً در لیبی تفکر رایجی وجود دارد که به قول قذافی: «عربیت بدون اسلام و اسلام بدون عربیت معنی ندارد» ما در روند فعالیت خود ابتدا باید کاری کنیم که پذیرفته شویم. باید نشان دهیم که به اهل تسنن احترام می‌گذاریم، و فقهای ما در بحث با آنها آزاد اندیشی‌اند. باید وسائل آمدن عده‌ای از برادران اهل تسنن از کشور لیبی به کشورمان برای تحصیل در حوزه‌های علمیه، یا حداقل دیدار از این حوزه‌ها را فراهم کنیم، تا بتوانند آزادانه در درسها و بحثهای حوزه‌های علمیه حاضر شوند.

مناسبات رسمی و فرهنگی

بنابراین ایجاد یک بورس تحصیلی - تحقیقی برای دانشجویان و دانشمندان لیبیائی از کارهای بسیار ضروری است. در همین زمینه، تماس با حوزه علمیه برای ایجاد چنین بورسی بسیار کار مفیدی است. از طرف دیگر، چون کشور لیبی در رابطه با رشته‌های علمی و فنی دارای مشکلات زیادی است می‌توانیم بورسهایی برای دانشجویان لیبیائی ترتیب دهیم تا هر کدام که در امتحانات این بورسها قبول شدند در مراکز فنی و آموزش عالی، شرکت و تحصیل کنند. البته،

در میان اعراب کلا و در لیبی علی‌الخصوص مساله قومیت و عربیت، موضوعی بسیار جا افتاده و کاملاً قوی است و شاید این یکی از معدود سنگرهای یاقیمانده اعراب در مقابل استعمار و خواب زدگی شدیدی است که این جهان را فرا گرفته است

لیبیی احتیاج مفرطی به آموزشهای فنی خصوصا در صنایع نفت دارد که در همین زمینه ، ایجاد هماهنگی با وزارت نفت ضروری است.

موضوع دیگری که مطرح است اینکه کشور لیبی سخت به نظامهای موجود در جهان با دیده تردید می نگرد و شاید نظام ما یکی از آنها باشد این موضوع خصوصا در زمینه حکومتی و طریقه حکومت و حاکمیت ، برای این کشور مطرح است .

لیبیایی ها حکومتها را به دو دسته تقسیم می کنند:

۱- دیکتاتوری

۲- پارلمانی

لیبیایی ها می گویند که این دو در واقع فوق چندانی با یکدیگر ندارند ، چرا که هیچ کدام از آنها کاری به افکار و خواسته های مردم ندارند . از طرفی لیبیایی ها می گویند که همواره بین علمای دینی و سیاستمداران بر سر اینکه کدام یک حاکمیت بر مردم را در دست داشته باشند تضاد است . در شرح و تفسیر کتاب سبز - ۴ - آمده است که : « مادام که هر یک از این دو (علما و سیاستمداران) برای خود حق تحکم در امر مردم را قائل اند ، هیچ فرصتی برای پرهیز از مبارزه شدید بین آنها وجود ندارد ، و مادام که به این مشکل از دیدگاه خود می نگرند و هر کدام معتقدات و نظریات خود را در انحصار طلبی تحمیل می کنند ، همین وضع ادامه خواهد داشت . هیچگاه از آنها سوال شده است که چگونه گروهی به خود حق می دهد همه چیز را در انحصار خود بگیرند و مجلس مردم مجاز و غیر مجاز تعیین کنند .

شرح کتاب سبز بر اثبات این مدعا که « نماینده مردم » لفظی دغل کارانه است ، مثال نمایندگان مردم اروپا در مجلس آنها را می آورد و می گوید ، در همان حالی که این نمایندگان استقرار پایگاههای موشکهای اتمی را تصویب می کنند ، مردم آنها به مخالفت با آن برمی خیزند .

شرح کتاب سبز همچنین می گوید: « اگر یک رهبر به صورت معبود یا پیشوای مردم در آید ، تنها کسانی که زیان می کنند ، همان مردم اند » کتاب مزبور برای اثبات مدعای خود هیتلر و عبدالناصر را مثال می زند . اما کتاب سبز اصولا بین چهار موضوع زیر خلط معانی

می کند :

۱- طرفداری مردم از رهبر یا رهبران با تقوی و مردمی

۲- ارعاب مردم توسط رهبری برای حمایت از وی و حکومت

وی

۳- تحمیق مردم توسط رهبر و یا رهبران

۴- گمراهی مردم و گمراهی رهبر با رهبران در اجرای یک

سیاست صحیح و نیز بی ایمانی هر دو

بدین علت است که برای توضیح دادن نظام رهبری جمهوری اسلامی ایران ، اصل فقاقت ، متقی ، ولایت فقیه ، و نیز کارکرد و کاربرد و موضع مجلس در این نظام باید کاملا روشن شود.

ضمنا آنکه تا نظامی متقی نباشد و مردم باتقوی نباشند ، و یا حداقل نظام مزبور به سوی متقی شدن و حاکمیت ارزشهای الهی در حرکت نباشد و اصولا به هیچ طریق ممکن نمی توان دست داشتن مردم در مقدرات خودشان و عدم حضور دیکتاتوری و افساد و استکبار و تحمیق را تضمین کرد . در صفحات ۴۶ و

۴۷ از شرح و تفسیر کتاب سبز - ۴ - آمده است که : « پس قانون عادلانه ای که باید از آن اطاعت کرد و بر طبق آن باید با مردم رفتار کرد ، از کجا وضع می شود؟ این قانون ، قانونی است که مردم ، خود آن برای خویشتن وضع می کنند ، قانونی که گویای احساسات و درک آنها و متضمن آرزوها و تمایلاتشان و نشان دهنده خواسته های آنها در زندگی مورد علاقه آنها باشد . هنگامی

که انسان شخصا قانونی را برای خود وضع کند ، دیگر دلیلی برای عدم اطاعت از آن وجود ندارد ، زیرا در همین حال می تواند آن را تعدیل و یا لغو کند . هیچ عاملی او را به تبعیت از آن به جز علاقه اش در تطبیق قانون مجبور نمی کند . کتاب مزبور در این

مرحله ، راه کنگره های مردمی را پیشنهاد می کند و می گوید : « اگر در قانون مزبور اشتباهی باشد همان افراد ملت که آن را وضع کرده اند ، حق تعدیل و یا تغییر و یا لغو آن و جانشین کردن قانون دیگری به جای آنرا خواهند داشت . اما در اینجا کتاب سبز با مشکلی روبروست و آن اینکه ، اگر این گفته ها در یک کشور غیر اسلامی و تنها دموکراتیک گفته می شد ، شاید اشکالی نداشت . اما در یک کشور اسلامی که قوانین مورد احترام مردم

باید دارای ملاک‌هایی الهی باشند، و یا لاقلاً ضد این ملاکها نباشند و یا سازگار با کل نظام قانون گذاری اسلامی بشد، کیست که تطبیق و عدم تضاد آنها با قرآن و احادیث را مشخص می‌کند و از این گذشته متشابهات قرآن را که عمدتاً در ست کنند؟ خط مشی اجتماعی- سیاسی - فرهنگی و اقتصادی مملکت‌اند را آیا توده مردم می‌فهمند یا بر طبق قرآن، راسخون فی العلم؟ آیا می‌توان گفت که همه مردم رسوخ در علم دارند؟

مسلم است که در این زمینه، بدون برانگیختن جو کاذب کارکرد تا بسوی وحدت واقعی قدم برداریم. با توجه به این مسائل که مربوط به دیدگاه‌های ایدئولوژیک نظام حکومتی لیبی است و در ضمن یا توجه به مشکلاتی به موازات همین خطوط در زمینه سیاست‌های لیبی و عدم خط دقیق به آنها، هر گونه روابط فرهنگی و تبلیغات باید با شناخت دقیق از این مواضع صورت گیرد. در لیبی فقر فرهنگی چه از لحاظ اسلامی و چه از لحاظ علمی، وجود دارد. در قسمت اول، رایزنی باید شروع به نشان دادن فرهنگ اسلامی موجود در ایران و شناساندن فرهنگ اسلامی و پیشرفتهایی حاصل شده در این و چند سال انقلاب کند. این کار از طریق نشان دادن فیلم، عرضه کتاب، مجله، روزنامه، پوستر و غیره انجام می‌شود.

بعلت کمبود سواد مردم لیبی، از همه مهمتر در امور تبلیغات. عامل استفاده از ویدئو و فیلم است و بس.

البته برای این منظور، خانه‌های فرهنگ و یا رایزنی‌ها باید دارای سالتنهایی باشند که فیلمها را بطور مجانی و در زمانهای معین و پیوسته به معرض نمایش عموم بگذارند.

ایجاد یک مجمع اسلامی که دارای یک نمازخانه، کتابخانه و اطاق مطالعه، و سالن سخنرانی که در آن فیلم نیز بتوان نشان داد. ضروری است. در این محل باید افراد کاملاً به مسائل اسلامی و اجتماعی دعوت به سخنرانی شود. این افراد می‌توانند آزادانه فعالیت‌های هنری، علمی، فرهنگی، جلسات قرآن و غیره داشته باشند و درباره سائل خودشان و تربیت کودکان و غیره صحبت و بحث کنند و

نشریاتی نیز داشته باشند. مجمع مذکور باید خود دارای یک نشریه هفتگی یا ماهانه باشد، در اینجا ذکر این مطلب لازم است که تدریس زبان فارسی کاری است که اگر بصورت رایگان و با تجهیزات کافی (نوار، کتاب و غیره) صورت گیرد بازده خوبی خواهد داشت.

حتی می‌توان انجمن زبانی به نام «انجمن فارسی» برای علاقمندان به یادگیری زبان و ادبیات فارسی دایر کرد. که در ابتدا می‌تواند به صورت یک زبانکده باشد.

در ضمن در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی لیبی می‌توان یک کرسی ارانی شناسی دایر کرد که دارای استاد بسیار و نیز ثابت باشد.

در این بخش بخصوص که زمینه بسیار گسترده ای پیدا خواهد کرد (ان شاء الله) اعراب لیبی و احتمالاً از اعراب منطقه، با فرهنگ اسلامی در ایران، تاریخ ایران، ادبیات فارسی، هنر، معماری و علوم و گسترش اسلام در ایران و زبان فارسی آشنا خواهد شد و ان شاء الله ایران شناسایی نیز در آینده خواهیم داشت.

بدین ترتیب بدون ایجاد یک جو کاذب ریشه تفکر اسلام بدون عربیت و عربیت بدون اسلام معنی ندارد و نیز: اسلام از اعراب است و بقیه مهمان آن هستند، تا اندازه ای سست خواهد شد.

این امر خود زمینه ای برای ایجاد وحدت و شناخت بهتر و ملت مسلمان ایران و لیبی است.

در خاتمه، هماهنگی وزارت امور خارجه با ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، برای بارور شدن این اندیشه مفید خواهد بود.

متأسفانه در هر تحول و دگرگونی در جامعه یکی از اولین قربانیان روابط عمومی است و پس از تغییر مدیریت روابط عمومی نیز کسانی سررشته کار را در دست می‌گیرند که کمتر اطلاعی از روابط عمومی دارند.

This paper is focused
in my second
in university.

سماح ولا انشيء حسنا الحمد لله
لقد انشيت الامم من اول انشيت
لدا انشيء الحمد لله ولا انشيء
والله انشيء به حسنا ولا انشيء
محبين من اول انشيت الحمد لله
ان من الحمد لله ملك الحمد لله
ملك ان انشيت الحمد لله
عبد الله محمد الحمد لله



الانسانى ومطالعات فرنگى
انسانى

سخنراني

LECTURE